

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

مهران پیامی  
۰۳ می ۲۰۲۲

## جنگ و اقتصاد جهانی

جنگ در اوکراین و تحریم‌های بی سابقه علیه روسیه از طرف دولت‌های امپریالیستی غرب از یک طرف و اعتراض برخی از محافل امپریالیستی در امریکا و المان و فرانسه علیه تحریم‌ها، از جنگ‌های پشت پرده اقتصادی خبر می‌دهد که روزانه در فرای خبرهای علنی و رسانه‌های سرمایه‌داری بشدت جریان دارد، نگاهی به دو سال گذشته و تشدید بحران اوکراین و کرونا نشان داد که شرکت‌های اسلحه سازی و داروسازی میلیاردها دالر از بودجه کشورهای مترویل و پیرامونی را بلعیده‌اند و در رقابت مرگ و زندگی برای مسلط شدن بر بازارهای جدید تجاری، مالی، بانکی با سرمایه‌های غول آسا هستند.

سرمایه‌های مالی جدا از به دست گرفتن تجارت و زنجیره‌های تولیدی، به صورت متمرکز و برنامه ریزی شده در کشورهای مختلف جهان، بازارهای بورس جهان را در خدمت ورشکست کردن رقبای خود قرار می‌دهند و با بازی کثیف با سهام در بورس جهانی و بالا بردن و پائین آوردن سهام شرکت‌های معظم جهان پول‌های با و بدون پشتوانه جهانی را پارو می‌کنند. بسیاری از افرادی که بازار بورس را یک بنگاه صرف اقتصادی در جهت تعادل قیمت‌ها می‌دانستند و فکر می‌کردند که بازارهای بورس ارتباطات اقتصادی جهانی را هماهنگ می‌کند، خیلی زود فهمیدند که این بنگاه اقتصادی دیگر نه تنها قادر به تعادل بازارهای جهانی نیست بلکه خود در ایجاد بحران‌های جهانی نقش مؤثر و بسزائی ایفاء می‌کند. این بنگاهی است که مرکز پولشویی و تبدیل پول‌های کثیف و غیر قانونی به ارزهای رسمی جهانی است. بازار رمز ارزهای جهان که در پی بازارهای بورس در فضای مجازی و اینترنتی به وجود آمده است هم نتوانست از روند پولشویی و ایجاد پول‌های بدون پشتوانه بی نصیب بماند.

بعد از جنگ دوم جهانی طلا به مثابه پشتوانه ارز بین‌المللی قرار گرفت، به این مفهوم دولت‌ها وظیفه داشتند که در برابر پولی که در بازار چاپ می‌کنند معادل ارزش پول خود، طلا در خزانه مرکزی ذخیره کرده باشند و هر نهادی قادر باشد که پول موجود را به طلا تبدیل کند. اما بعد از مدتی پشتوانه طلا از ارزشها برداشته شد و عناصر دیگری مانند منابع طبیعی، قدرت اقتصادی، سهام شرکت‌های بزرگ به عنوان پشتوانه مورد استفاده قرار گرفت. به طور مثال کشوری که پشتوانه پولی خود را نفت تعیین می‌کند می‌باید در برابر پول خود آماده باشد که هر لحظه آن را با نفت خود معامله کند. امریکا در زمان ریچارد نیکسون در ۱۹۷۱ قانون پشتوانه طلا را از بین برد و با این قانون تمامی تعهدات مالی دالر نسبت به ارزش طلا از بین رفت و دالر امریکا به یک ارز شناور تبدیل شد. تغییر پشتوانه پولی از طلا به عناصر دیگر این امکان را به وجود آورد که بازارهای بورس، سرمایه شرکت‌ها را به سهام تبدیل کرده و مورد

خرید و فروش قرار دهند. به همین دلیل سقوط بازارهای بورس به ویژه در کشورهای بزرگ جهان باعث سقوط ارزش برخی از ارزها و صعود برخی دیگر می شود. برخی از دولت‌های سرمایه‌داری برای حفاظت از این روند که نهایتاً به بازیچه قرار گرفتن اقتصادهایشان در دست شرکت‌های بزرگ و بانک‌ها و سرمایه‌های مالی ابر قدرت‌های اقتصادی می انجامد، سعی کردند که با روی آوردن به پول‌های دیجیتال و معامله کردن با پول‌های کشورهای خود و متنوع کردن سبد ارزی بانک‌های مرکزی، ثبات اقتصادی به وجود بیاورند.

این ثبات به وجود نیامد و نمی توانست به وجود بیاید آنهم به این دلیل که اولاً سرمایه‌های بزرگتر در حال کنترل و خرید و به اصطلاح مال خود کردن سرمایه‌های کوچکتر از طریق قرار دادهای کاری و تولید و مالی و یا نقشه علیه رقباء به صورت هماهنگ هستند. در نتیجه شرکت‌های کوچکتر مجبور هستند یا به کنسرن‌های بزرگ و رقابت‌های جهانی بپیوندند و همچون روباه در کنار شیرها از قبل شکار شرکت‌های ورشکست شده سهمی بگیرند و یا در غیر این صورت با فروش و ورشکستی بنگاههای خود روبه رو هستند. این روند اقتصادی با سایه و روشن‌هایی در سیاست کشورهای کوچکتر در برابر کشورها و قطب‌های بزرگ سرمایه‌داری و معظم جهان در حال اجراء است. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ روند نئولیبرالی شدن اقتصاد سرمایه‌داری را شدت بخشید. در این روند اساسی‌ترین تغییر در مناسبات نیروی کار جهان بود که عمدتاً توسط شرکت‌های فراملیتی پیش برده شد. این روند چه مشخصاتی دارد؟

امیر حسین خالقی استاد دانشگاه تهران در سایت دنیای اقتصاد سؤالی را به صورت مقدمه نقد وارگونه آورده است: "آن چیست که باعث بحران مالی فراگیر سال ۲۰۰۸، فقر گسترده کودکان، تنهایی و انزوای گسترده مردم، از بین رفتن محیط زیست و گسترش حاکمیت سرمایه و بهره‌کشی در سطح جهان شده است؟" البته جوابی که ایشان می دهند نه کامل است و نه دقیق ولی ما گوشه‌هایی از آنچه را که در نمائی کلی می بینیم ذکر می کنیم:

سیال شدن نیروی کار و ارزش نیروی کار در بازار و متعاقباً از بین رفتن امنیت شغلی به صورت قانونی، گسترش فقر در بین کارگران و زحمتکشان، گسترش کار کودکان، ویرانی و آلوده کردن محیط زیست، گسترش موادمخدر و باندهای فروش سگس، به قدرت رسیدن حکومت‌های بشدت دست راستی و فاشیستی، نظامی‌گری، خصوصی سازی، رشد بی درو پیکر شرکت‌های فراملی، گسترش اختلاف ثروت بین کشورهای امپریالیستی و پیرامونی، بعد از جنگ دوم جهانی که پیمان برتون وودز در جولای ۱۹۴۴ بسته شد و طلا به ارز مرجع جهانی تبدیل شد. موقعیت بی رقیبی برای امپریالیسم امریکا و سرکردگی بر جهان سرمایه‌داری به وجود آمد که باعث شد بیش از نیم قرن هیچ قدرت اقتصادی یارای مقاومت در برابر دالر را نداشته باشد. تا زمانی که جنگ سرد و دو اردوگاه هنوز موجود بود. تعادل بازارهای اقتصادی در غرب تحت رهبری امریکا و سرازیر شدن دالر تحت اصل ۴ ترومن و تضمین فوق سود امپریالیستی به طور نسبی برقرار بود. دو جنگ کوریا و ویتنام هم با این که به شکست امریکا منتهی شد ولی نتوانست ابر قدرتی امریکا در سطح اقتصادی را به زیر بکشد. دلیل اصلی این بود که ساختارهای بین‌المللی شکل گرفته مانند صندوق بین‌المللی پول و..... به همراه دالر تقریباً همه اهرم‌های اقتصادی را در انحصار خود گرفته بود و امریکا قادر بود که بدون کمترین فشار به اقتصاد خود، عوارض جنگ را از طریق فروش اسلحه و بازی با دالر و چاپ بدون پشتوانه دالر، جبران کند. در عین حال امریکا بزرگترین تولید کننده جهان بود و با فاصله بسیار زیادی رقبای خود جاپان و المان را پشت سر گذاشته بود. امریکا عملاً بر اقتصاد اروپا چیرگی داشت.

نکته‌ای که نباید در امر اقتصادی فراموش کرد این بود که شرکت‌های امریکائی همراه با بانک‌های بزرگ، همزمان صدور سرمایه و فروش کالا و ابزار تولید را جلو می بردند. سهم امریکا در اقتصاد جهانی در زیر نشان داده شده است.

در مقایسه سال ۲۰۰۰ آمریکا ۸۵ میلیارد دلار توازن مبادله به نفع خود با چین داشته است که در سال ۲۰۱۶ به حدود ۳۴۷ میلیارد دلار به نفع چین بوده است یعنی در ۱۶ سال گذشته اختلاف به حدود ۴۳۲ میلیارد دلار به ضرر آمریکا رسیده است و ما چین را به عنوان بزرگترین شریک تجاری آمریکا مطرح کردیم تا ابعاد تغییرات اقتصادی روشن‌تر شود

نمونه دیگر این که سهم آمریکا از اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۱-۲۲ با ۲۲.۹ تریلیون دلار ۲۴ درصد بوده است در حالی که این سهم در ۱۹۷۰ اقتصاد جهانی حدود ۴۷ درصد بوده است .

از سال‌های ۲۰۰۰ به بعد که شرکت‌های فناوری و دیجیتالی و اینترنتی، رشد و گسترش فوق العاده‌ای یافتند. از آن زمان تا به امروز بیشتر آنها جزء ۱۰۰ شرکت پردرآمدی هستند که در اکثر آمارهای جهانی انتشار یافته‌اند مانند مایکروسافت، گوگل، علی بابا، اپل و غیره. در عین حال شرکت‌های دولتی مانند شرکت نفت آرامکو، نفت ایران، صنایع نظامی آمریکا و غیره ارتش بزرگی از کارگران و منابع مالی جهانی را در اختیار داشته و حجم عظیم‌تری از سرمایه را در اختیار دارند. رشد شرکت‌های فراملی و بزرگ شدن اقتصاد کشورهای درحال توسعه این امکان را به وجود آورده است که هر کشوری برخی از رشته‌های صنعتی اقتصادی را به صورت انحصاری اداره کند. روشن است که خصوصی سازی نیز به علت رقابت افسار گسیخته سرمایه‌داری نیز رشد کرده است. در واقع دولت‌های سرمایه‌داری همچنان از کل منافع بورژوازی خودی دفاع می‌کنند. رقابت گروه‌های معظم جهانی هم به همین دلیل با این که رشته‌های کار در هم به صورت جهانی ادغام شده‌اند ولی بشدت باهم در حال رقابت و بیرون کردن یکدیگر از بازارهای جهانی هستند و این رقابت را با استفاده از ابزار دولت‌های خودی جلو می‌برند. جنگ در واقع ادامه سیاست دفاع از منافع شرکت‌های فوق و دولت‌های نماینده آنهاست. این منافع بر حسب شرایط می‌تواند به صورت رقابت اقتصادی، توطئه‌های سیاسی، جنگ‌های نیابتی و جنگ‌های رو در روی بلوک‌های قدرت در جهان، جلو رود. در عین حال جنگ یکی از اهرم‌های پولساز کشورهای بزرگ اقتصادی است که عمدتاً از طریق فروش سلاح و خدمات جنگی و سپس بازسازی ویرانی‌های جنگ به دست می‌آید تصویر و مطالب بالا کاملاً مختصر از حرکت سرمایه در جهان است، اینک نگاهی گذرا می‌اندازیم به گورکنان این سرمایه یعنی طبقه کارگر.

سایت دانشنامه متعلق به ویکی پدیا جدولی از نیروی کار جهانی ارائه کرده است که از ۸.۲ میلیارد جمعیت جهان ۳.۸ میلیارد نفر را نیروی کار اعم از کارگران و سایر زحمتکشان جهان تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر ۴۶.۳ درصد از جمعیت جهان مشغول تولید و کار هستند. در حالی که همزمان ۲۶ نفر در سال ۲۰۱۸ معادل نیمی از دارائی مردم جهان ثروت داشتند. در سایت رادیو فردا از گزارش آکسفام نقل شده است که "این گزارش می‌افزاید ۲۲ ثروتمند بزرگ جهان به اندازه کل زنان افریقا ثروت دارند: طی سال گذشته زنان و دختران، ۱۲,۵ میلیارد ساعت کار بدون مزد کرده‌اند که ارزش اقتصادی آن ۱۰,۸ تریلیون دلار است. آکسفام در آستانه اجلاس مجمع جهانی اقتصاد - موسوم به اجلاس داووس- در سوئیس این گزارش را منتشر کرده و هشدار داده است که یک درصد ثروتمندترین مردم برابر ۶,۹ میلیارد جمعیت جهان ثروت دارند که اگر تنها ۰,۵ درصد مالیات بر ثروت این افراد را برای یک دهه افزایش دهیم، منابع مالی برای ایجاد ۱۱۷ میلیون شغل جدید برای بیکاران فراهم می‌شود." البته آنچنان آمار سودهای شرکت‌ها و افراد ثروتمند جهان ابعاد تصاعدی پیدا کرده است که حتی رسانه‌های سرمایه‌داری هم آن را نادرست می‌انگارند، آمارها نشان می‌دهد که کل سیستم سرمایه‌داری نیروی کار جهان را به بردگی مزدی کشانده است و مدتهاست که شرکت‌های بزرگ از نیروی کار ارزان جهانی استفاده می‌کنند .

سرمایه‌داری برای حفظ سیستم بردگی از هیچ جنایتی علیه نیروی کار فروگذار نکرده و نمی‌کند. جنگ‌های اشغالگرانه، جنگ‌های داخلی، بین کشورها، بین ملیت‌ها، جنگ فرقه‌ای- مذهبی و موج پناهندگان جهان... همگی در خدمت حفظ سیستم سرمایه‌داری و اسارت نیروی کار است. جنگ اوکراین و تحریم‌های اقتصادی رقیب علیه یک دیگر را هم باید در این راستا دید. جنگ به مفهوم ادامه سیاست با اسلحه، خود به تشدید بحران سرمایه‌داری در جهان کمک کرده است، در عین حال جنگ راه گشای رقابت‌های سرمایه‌داری و گشایش بازارهای بیشتر، عدم ثبات اقتصادی، بیکاری وسیع، گرانی روزمره و فقیرتر شدن کارگران و زحمتکشان جهان از پی آمدهای این جنگ و جنگ‌های ویرانگر دیگری است که از ماهیت نظام امپریالیستی به وجود آمده به ویرانی بیشتر جوامع، و محیط زیست انسانی انجامیده است.

از یک طرف بربریت سرمایه‌داری و از طرف دیگر محیط زیستی که هر روز توسط سرمایه‌داری آلوده‌تر و ویران‌تر می‌شود. سرمایه‌داری جهانی با همه تضادهای درونی‌اش، برای حفظ سیستم موجود، علیه طبقه کارگر و کسانی که این سیستم استثمارگر را به زیر سؤال می‌برند، متحد در سرکوب هستند، طبقه کارگر جهانی در این جدال بزرگ بشریت برای گذار از سرمایه‌داری احتیاج به یک نیروی بین‌المللی از نیروی خود دارد که در این اوضاع آشفته جهانی جایش خالی است. برای ایجاد آن طبقه کارگر هر کشور با سرنگونی بورژوازی کشور خود بیشترین کمک را به انترناسیونال پرولتری خواهد کرد. اما پیش درآمد چنین کاری؛ کمک به ایجاد احزاب پر قدرت کمونیستی در همه کشورهای جهان است.

پیش به سوی انقلابات کارگری

پیش به سوی ایجاد حزب کمونیست واحد و سراسری

زنده باد سوسیالیسم

۱۴۰۱